

واکاوی آموزه‌های کلامی در

زیارتنامه اربعین امام حسین علیه السلام

جواد جعفری*

چکیده

زیارت اربعین حضرت اباعبدالله علیه السلام، که در کلام امام حسن عسکری علیه السلام از نشانه‌های شیعه خوانده شده، در کتابی معتبر و با سندی معتبر از امام صادق علیه السلام به ما رسیده است. بررسی بخش‌هایی از این زیارتنامه با نگاهی کلامی روشن می‌کند که موضوعات عقیدتی مطرح شده در آن را می‌توان در سه محور بیان کرد: محور نخست نشانه‌های امام علیه السلام، شامل از خاندان امامت بودن، پاکزاد بودن، صاحب میراث پیامبران علیهم السلام بودن و داشتن عصمت و برتری و علم و ایمان و شجاعت؛ محور دوم نقش امام علیه السلام شامل هدایت کردن مردم و حفظ دین الهی؛ محور سوم وظیفه مردم در برابر امام علیه السلام شامل تولی و تبری، اعتقاد به حتمی بودن وعده الهی برای یاری امام علیه السلام، همچنین اعتقاد به غیبت و رجعت امامان علیهم السلام البته با کاوشی بیشتر می‌توان مفاهیم بیشتری را یافت که امید است این راه ادامه یابد.

واژگان کلیدی: زیارتنامه اربعین، نشانه امامت، نقش امام، وظایف امت نسبت به امام

* عضو گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

مقدمه

روز بیستم ماه صفر هر سال مصادف است با اربعین شهادت سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام. این روز نزد شیعیان اهمیت بسزایی دارد. امام حسن عسکری علیه السلام در حدیثی فرمودند:

عَلَامَاتُ الْمُؤْمِنِ حَمْسٌ صَلَاةُ الْخَمْسِينَ وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ وَ التَّحَنُّمُ فِي الْيَمِينِ وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ
وَ الْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۵۲).

مؤمن پنج نشانه دارد: پنجاه رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر به دست راست داشتن، سر بر مهر نهادن و بلند گفتن بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.

بنا به فرموده امام علیه السلام، یکی از نشانه‌های انسان مؤمن زیارت اربعین است. در مورد این که منظور از واژه «زیارة الأربعین» چیست؟ حضرت آیت الله جوادی آملی می‌آورد:

مراد از زیارت اربعین، زیارت چهل مؤمن نیست؛ زیرا این مسئله اختصاص به شیعه ندارد و نیز «الف و لام» در کلمه «الاربعین»، نشان می‌دهد که مقصود امام عسکری علیه السلام، اربعین معروف و معهود نزد مردم است (جوادی آملی، ۱۳۹۵ش، ص ۲۲۷).

یعنی منظور از زیارت اربعین، زیارت کردن امام حسین علیه السلام در روز چهلم شهادت ایشان است. اهمیت زیارت اربعین، تنها به این نیست که از نشانه‌های ایمان است؛ بلکه طبق این روایت، در ردیف نمازهای واجب و مستحب قرار گرفته است.

اربعین امام حسین علیه السلام از دیرباز میان شیعیان معتبر بوده است. شیخ طوسی در کتاب مصباح المتهجد، که تقویم مورد نظر شیعه درباره ایام سوگ و شادی و دعا و روزه و عبادت است، ذیل ماه «صفر» می‌نویسد:

در روز بیستم ماه صفر، حرم امام حسین علیه السلام از شام به مدینه پیامبر صلی الله علیه و آله بازگشتند و این روز، روزی است که جابر بن عبدالله انصاری، صحابی رسول الله صلی الله علیه و آله برای زیارت

قبر حضرت اباعبدالله علیه السلام از مدینه به کربلا رسید. ایشان نخستین کسی است که قبر آن حضرت را زیارت کرد. در این روز، زیارت امام حسین علیه السلام مستحب است و آن، زیارت اربعین است.

شیخ طوسی پس از این سخن، حدیثی را که در اول مقدمه بیان شد، آورده است و سپس متن زیارت اربعین را با سند خود از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.

زمان دقیق مرسوم شدن پیاده‌روی برای زیارت اربعین معلوم نیست. اما چنان‌که گفته شد، شیخ طوسی، عالم بزرگ شیعی قرن پنجم، یعنی نزدیک به هزار سال پیش، درباره زیارت اربعین، مطالب یاد شده را در کتاب خود آورده است. از این رو می‌توان گفت شیعیان از زمانی بسیار دور به حرمت این روز، زیارت‌نامه را می‌خوانده‌اند و اگر می‌توانستند، مانند جابر، بر مزار امام حسین علیه السلام گرد می‌آمدند و آن امام را زیارت می‌کردند. این سنت تا امروز در عراق با قوت برپاست و میلیون‌ها شیعه عراقی و غیر عراقی در این روز بر سر مزار امام حسین علیه السلام جمع می‌شوند.

سند زیارت‌نامه اربعین

چنان‌که گذشت، شیخ طوسی در کتاب تهذیب الاحکام، که از کتب اربعه و از معتبرترین کتاب‌های حدیثی شیعه است، این زیارت‌نامه را نقل کرده است. شیخ طوسی سند زیارت‌نامه را نیز چنین نقل می‌کند:

أَخْبَرَنَا جَمَاعَةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي مُحَمَّدٍ هَارُونَ بْنِ مُوسَى بْنِ أَحْمَدَ التَّلَعُكْرِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ مَعْمَرٍ قَالَ حَدَّثَنِي أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْعَدَةَ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ قُضَّالٍ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ مِهْرَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: قَالَ لِي مَوْلَايَ الصَّادِقُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي زِيَارَةِ الْأَرْبَعِينَ تَزُورُ عِنْدَ اِرْتِفَاعِ النَّهَارِ وَ تَقُولُ السَّلَامَ عَلَيَّ وَ لِيِ اللَّهِ... (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۱۱۳).

ایشان می‌نویسد: «گروهی از یاران ما (شیعیان) این زیارتنامه را از هارون بن موسی تلعبیری برای من نقل کرده‌اند». طبق تحقیق مرحوم اردبیلی، بزرگانی مانند شیخ مفید و ابن غضائری جزء این «گروهی» هستند که برای شیخ طوسی حدیث را نقل کرده‌اند (اردبیلی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۰۸). از این رو گروه (جماعة) به لحاظ رجالی معتبر است.

راوی بعدی، «هارون به موسی تلعبیری» است. نجاشی^۱ و شیخ طوسی^۲ ضمن توثیق او، به جلالت و عظمت ایشان نیز گواهی داده‌اند.

راوی بعدی «محمد بن علی بن مَعْمَر» است. شیخ طوسی در کتاب خود از وی نام برده و هر چند به توثیق ایشان اشاره نکرده است، بیان می‌دارد که وی شیخ اجازه جناب هارون بن موسی است.^۳ مرحوم مامقانی نیز می‌گوید شیخ اجازه بودن، دست کم به «حسن» بودن شخص دلالت دارد.^۴ از این رو می‌توان وی را نیز راوی معتبری دانست.

راویان بعدی مشترکاً «علی بن محمد بن مسعده» و «حسن بن علی بن فضال» هستند؛ هر چند راوی اول مجهول است و سخنی در مورد وی گفته نشده، اما حسن بن علی بن فضال، فرد ثقه‌ای است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۳۵۴). از این رو مجهول بودن علی بن محمد بن مسعده ضرری به اعتبار سند نمی‌زند.

راوی بعد «سعدان بن مسلم» است. وی توثیق صریح ندارد؛ اما نجاشی گفته است صاحب کتابی بوده که گروهی آن را نقل کرده‌اند (نجاشی، ۱۳۶۲ش، ص ۱۹۳). شیخ طوسی یکی از راویان اصلی وی را صفوان بن یحیی معرفی کرده است (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۲۲۶). در کتاب کافی نیز محمد بن ابی‌عمیر از وی روایت کرده است (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۱۷۸). با

۱. کان وجهها فی أصحابنا، ثقة، معتمدا لا یطعن علیه (نجاشی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۳۹).

۲. جلیل القدر، عظیم المنزلة، واسع الروایة، عديم النظر، ثقة (طوسی، ۱۳۷۳ش، ص ۴۴۹).

۳. سمع منه التلعکبری سنة تسع و عشرين و ثلاثمائة و له منه إجازة (طوسی، ۱۳۶۵ش، ص ۴۴۲).

۴. محمد بن علی بن مَعْمَر الکوفی... اقول ظاهره کونه امامیا و اقل مرتبة شیخوخة الإجازة الحسن (مامقانی، بی‌تا، ج ۳، ص ۱۶۰).

توجه به اینکه صفوان و ابن ابی عمیر تنها از افراد ثقه نقل حدیث می‌کردند، معلوم می‌شود که سعدان بن مسلم نیز ثقه است.

راوی آخر نیز «صفوان بن مهران» است که زیارت اربعین را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است. نجاشی وی را توثیق کرده است (نجاشی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۹۸).

با توجه به امامی و معتبر بودن راویان سند، معلوم می‌شود زیارتنامه اربعین امام حسین علیه السلام از نظر علم رجال، دارای سند معتبر است.

آموزه‌های کلامی در فرازهای زیارتنامه

پس از بررسی و اثبات اعتبار سند زیارتنامه، به واکاوی آموزه‌های کلامی در محتوای زیارتنامه اربعین می‌پردازیم و آنها را در سه محور ارائه می‌کنیم.

محور اول: نشانه‌های امامت

راه‌ها و نشانه‌هایی که برای شناخت امام برحق از مدعیان دروغین این منصب الهی در زیارتنامه اربعین آمده است، عبارت‌اند از:

۱. تعلق به خاندان امامت

یکی از نشانه‌های امامت که در روایات آمده از خاندان نبی گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بودن امام علیه السلام است. علامه مجلسی می‌نویسد: «از شرایط امامت نزد امامیه، هاشمی بودن امام علیه السلام است» (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۴۱).

در زیارتنامه اربعین نیز، به عنوان فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله به ایشان سلام می‌کنیم و گواهی می‌دهیم که ایشان از نسل این خاندان پاک هستند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ وَابْنُ وَلِيِّكَ وَصَفِيُّكَ وَابْنُ صَفِيِّكَ... السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ.

خدایا من گواهی می‌دهم حقیقتاً او (امام حسین علیه السلام) ولی تو و فرزند ولی تو است و برگزیده تو و فرزند برگزیده تو است... سلام بر تو ای فرزند رسول الله صلی الله علیه و آله، سلام بر تو ای فرزند سرور جانشینان (امام علی علیه السلام).

در ادامه، شهادت می‌دهیم که دیگر امامان علیهم السلام نیز از نسل امام حسین علیه السلام هستند: «وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ»؛ «گواهی می‌دهم امامان، از فرزندان شما هستند».

به دلیل روایت پیامبر صلی الله علیه و آله که مورد پذیرش اهل تسنن نیز هست، بسیاری از مذاهب اسلامی، قریشی بودن امام علیه السلام را قبول دارند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ» (بخاری، ۴۲۲ق، ج ۹، ص ۸۱).

۲. طهارت مولد

نشانه دیگری که در روایات برای شناسایی امام علیه السلام بیان شده، این است که امام علیه السلام باید از نسلی طیب و پدر و مادری طاهر متولد شده باشد. معاویه بن وهب می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «نشان امام چیست؟» ایشان چند نشانه فرمودند؛ از جمله فرمود: «طهارة الولادة» (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۲۸۵). امام باقر علیه السلام هم، ده نشانه برای امام علیه السلام شمردند و نشانه اول را چنین فرمودند: «یولد مطهراً» (همان، ۱۳۶۲ش، ج ۱، ص ۳۸۸).

در زیارت اربعین در مورد این نشانه چنین گواهی می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الطَّاهِرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ
بَأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلْبَسْكَ الْمُدْهَمَاتُ مِنْ ثِيَابِهَا... وَاجْتَبَيْتَهُ بِطَيْبِ الْوِلَادَةِ.

گواهی می‌دهم حقیقتاً شما نوری در تیره‌های سرفراز و زهدان‌های پاک بودید. جاهلیت با ناپاکی‌اش شما را نیالود و سیاهی‌ها و تاریکی‌های سخت نتوانست از لباس‌هایش بر شما بیوشاند... [خدایا]، تو او را به پاکی تولد برگزیدی.

۳. صاحب میراث پیامبران علیهم السلام

یکی از نشانه‌های شناخت امام علیه السلام، وجود میراث پیامبران علیهم السلام نزد امام بر حق است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «أَنْتَ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۰۶) «تو ودیعه‌دار میراث پیامبرانی». امام باقر علیه السلام نیز، در ضمن بیان اوصاف امام علیه السلام، فرمود: «نَحْنُ مُسْتَوْدَعُ مَوَارِيثِ الْأَنْبِيَاءِ»؛ (همو، ۱۳۹۵ ق، ج ۱، ص ۲۰۶)؛ «ما امامان کسانی هستیم که میراث پیامبران نزد ما به امانت نهاده شده است».

نقل کرده‌اند امام حسن علیه السلام در لحظات آخر، موارث پیامبران علیهم السلام را به امام حسین علیه السلام تسلیم کرد (مسعودی، ۱۳۸۴ ش، ص ۱۶۵). وقتی هارون دستور داد تا امام موسی کاظم علیه السلام را از مدینه بیاورند، امام فرزند خویش امام رضا علیه السلام را خواند و موارث پیامبران علیهم السلام را به ایشان به امانت سپرد (همان، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۰۵).

در زیارتنامه اربعین نیز به این نشانه اشاره شده است، آنجا که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ... وَأَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الْأَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ
مِنَ الْأَوْصِيَاءِ.

خدایا من شهادت می‌دهم که تو میراث پیامبران علیهم السلام را به او دادی و ایشان را، در زمره اوصیا، حجت بر خلقت قرار دادی.

۴. عصمت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های امام علیه السلام، که در روایات و علم کلام شیعه بیان شده، عصمت است (مجلسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۸۷). امام علیه السلام، از نظر متکلمان امامیه، همانند پیامبران و فرشتگان، باید معصوم، و از هر گونه پلیدی، پاک باشد. سرپیچی از فرمان الهی و ارتکاب معاصی (کوچک یا بزرگ، عمدی یا سهوی، و آشکار یا نهان) با تصدی منصب امامت، منافات دارد.

متکلمان شیعه، برای اثبات ضرورت معصوم بودن امام، ادله گوناگون عقلی و نقلی اقامه کرده‌اند که از میان ادله عقلی، به ذکر دو دلیل عمده و مهم، بسنده می‌کنیم:

دلیل اول: شرط حفاظت از شرع، عصمت است و حفاظت از شریعت، تنها به وسیله امام صورت می‌گیرد. از این رو امام باید معصوم باشد تا دین از خطر سقوط و انحراف، مصون بماند؛ دلیل دوم: اگر امام، معصوم نباشد، تسلسل لازم می‌آید؛ زیرا اگر امام خطا کند، برای رفع خطا باید به امام دیگر مراجعه کرد و اگر او هم معصوم نباشد، رجوع به امام دیگر لازم می‌آید و هیچ وقت خطا و اشتباه رفع نمی‌شود. اما تسلسل، باطل است. بنابراین وجود امام معصوم، ضروری خواهد بود.

دو ادله نقلی نیز به آیه تطهیر (احزاب، ۳۳) و حدیث ثقلین استناد می‌شود. در زیارتنامه اربعین، عصمت امام حسین علیه السلام با مورد اطمینان خدا بودن و امانت‌دار خدا بودن ایشان بیان شده است:

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَابْنُ أَمِينِهِ... وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِيُّ.

گواهی می‌دهم تو امانت‌دار الهی و فرزند امانت‌دار الهی هستی... و گواهی می‌دهم که تو امام نیکوکار، باتقوا، خشنود، پاک از فساد، هدایت کننده و هدایت شده هستی.

۵. افضلیت

دیگر ویژگی امام، برتر بودن او نسبت به دیگران است (مجلسی، بی تا، ج ۱، ص ۲۸۴). خداوند، کسی را به امامت منصوب می‌کند که از سایر مسلمانان، در علم و عمل، افضل باشد؛ زیرا عقل حکم می‌کند تقدیم مفضول بر فاضل و تقدیم یکی از دو نفر مساوی بر دیگری، قبیح است و صدور قبیح، از خدای تعالی ممتنع است. آیه ۳۵ سوره یونس نیز بر این مطلب دلالت دارد. برتر بودن امام از دیگران، در صفاتی همچون تقوا، سخاوت، حلم، رأفت و سایر

صفات نیکو و مکارم اخلاق، امری مسلم است.

در مورد افضلیت امام در زیارتنامه اربعین می‌گوییم:

السَّلَامُ عَلَيَّ خَلِيلِ اللَّهِ وَ نَحِيهِ السَّلَامُ عَلَيَّ صَفِيِّ اللَّهِ وَ ابْنِ صَفِيهِ... وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنْ
السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَ ذَائِدًا مِنَ الذَّادَةِ.

سلام بر دوست خدا و شرافتمند در گاهش. سلام بر برگزیده خداوند و فرزند
برگزیده‌اش... خدایا، تو او را مهتری از مهتران، و پیشوایی از پیشوایان، و
سوق‌دهنده‌ای از سوق‌دهندگان قرار دادی.

۶. اعلمیت

اعلم بودن امام، از صفات معتبر در افضلیت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ ش، ص ۲۰۹). این
اعلمیت، به علوم شرعی اختصاص ندارد؛ بلکه علوم غیر شرعی را هم در بر می‌گیرد؛ یعنی
امام باید در امور غیر شرعی هم اعلم باشد؛ مثلاً باید در سحر و شعبده نیز اعلم باشد تا در
صورت مواجهه با ساحران و شعبده‌بازان، سحر آنان را خنثا کند و حیل‌های آنان را به مردم
بنمایاند و از گمراه شدن مردم، جلوگیری کند.

اعتبار اعلمیت، از ناحیه عقل هم تصدیق می‌شود؛ زیرا اختیار نکردن اعلم، به معنای تقدیم
مفضول است که قبیح خواهد بود. آیه ۹ سوره زمر نیز به همین مطلب اشاره دارد. امام باید
علم مناظره با دیگران را بداند تا در برخورد با آنان که شبهه افکنی می‌کنند و می‌خواهند عقاید
مردم را سست نمایند، پیروز شود و دین را از زوال، حفظ کند.

هنگامی که امام داناترین مردم باشد، سخن و رفتارش برای همه حجت خواهد بود.
از این رو در زیارتنامه اربعین می‌خوانیم: «وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ... وَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ
أَهْلِ الدُّنْيَا»؛ «خدایا تو او (امام حسین علیه السلام) را که از جانشینان پیامبرت است، حجت بر خلقت
قرار دادی... و حجت بر اهل دنیا».

۷. ایمان (عبادت و زهد)

ایمان، مراتب مختلفی دارد که هر یک از مؤمنان، به اندازه کوشش و زحمتی که در اجرای اوامر الهی از خود نشان می‌دهند، آن مراتب را دارا می‌شوند. البته عمل و ایمان، ارتباطی طرفینی دارند؛ یعنی هر چه ایمان قوی‌تر باشد، اعمال صالح بیشتری از مؤمن بروز می‌کند و از طرف دیگر، اعمال صالح، بر مراتب ایمان می‌افزاید.

امام باید از حیث مراتب ایمان، واجد بالاترین مرتبه باشد تا قلوب مؤمنان، مجذوب او گردد و از ارشاد و هدایت او سرپیچی نکنند و عظمت و شوکت او در دل‌ها مستقر گردد و کسانی که به مراتب بالای ایمان دست یافته‌اند نیز از فروتنی در برابر او، کوتاهی نکنند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۱ش، ص ۱۶۹).

در مورد عبادت نیز شخصی که عبادت او بیشتر است، نزد خداوند، محبوب‌تر است. منظور ما از عبادت، هر عملی است که با در نظر گرفتن رضایت الهی انجام می‌شود. حال اگر کسی که عبادتش از دیگران بیشتر است امام نگردد، یا باید شخصی که با او مساوی است، امام گردد و یا کسی که در مرتبه پایین‌تر است، متصدی این امر شود.

در صورت اول، ترجیح بلا مرجح لازم می‌آید و در صورت دوم، ترجیح مرجوح لازم می‌آید که اولی، قبیح، و دومی، اقبیح است. لذا عقل، حکم می‌کند که منصب امامت به دست کسی سپرده شود که عابدترین انسان‌هاست.

بسیاری از آیات قرآن، دل بستن به دنیا را تقبیح، و فریفته‌شدگان آن را سرزنش کرده است و به آنان هشدار داده که در صورت اراده کردن دنیا، نصیبی از آخرت نخواهند داشت (ر.ک: حدید، ۲۳) دلبستگی امام جامعه مسلمانان به دنیا باعث بروز مفاسد زیادی خواهد شد؛ زیرا این کار، زمینه دلبستگی مردم را به دنیا فراهم خواهد کرد و کل جامعه اسلامی در سراسیمگی سقوط، قرار می‌گیرد. لذا امام جامعه باید زاهد، بلکه ازهد باشد تا اهداف مقدس اسلام، در جامعه اسلامی تحقق یابد.

شخص ازهد، کامل تر و بافضیلت تر از شخص زاهد است و به همین دلیل، باید مقدم گردد؛ وگرنه تقدیم مفضول بر فاضل لازم می آید که عقلاً قبیح است.

در زیارتنامه اربعین به عبادت و زهد امام حسین علیه السلام چنین گواهی می دهیم:

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ الْتَقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمُهْدِي... كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهَدْيِ
وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى.

و گواهی می دهیم که تو امام نیکوکار، با تقوا، خشنود، پاک از فساد، هدایت کننده، هدایت شده هستی... حقیقتِ بروزیافته تقوا و نشانه های هدایت و دستاویز محکم.

۸. شجاعت

امام باید شجاع ترین (اشجع) مردم جامعه باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵ش، ص ۲۱۰). دفاع از کیان اسلام و حفظ حدود و ثغور آن، فداکاری و از خودگذشتگی می خواهد. لذا در شرع انور، امر به جهاد شده است و قرآن، مجاهدان در راه حق را بر آنان که از زیر بار جهاد، شانه خالی می کنند، برتری داده است. (نساء، ۹۶). جهاد و فداکاری، در سایه شجاعت و قوت قلب، حاصل می گردد و اگر امام جامعه، خود ترسو باشد، مسلماً امت هم ترسو خواهند شد و راه برای نفوذ عوامل بیگانه، باز می شود و از این رهگذر، آفات مختلفی دامن گیر جامعه اسلامی خواهد شد.

بنابراین لزوم شجاع بودن والی، امری بدیهی است که محتاج استدلال نیست. اما اشجع بودن، از آن جهت مطلوب است که اگر در میان جامعه اسلامی، کسانی باشند که از امام جامعه، شجاع تر باشند، مسلماً دل های مردم، از روی اخلاص، در پی امام جامعه نخواهد بود و هدف از امامت، که پیشوایی جامعه اسلامی است، محقق نخواهد شد. علاوه بر این، قبح تقدیم مفضول، ایجاب می کند که امام، اشجع باشد. از این رو در ابتدای زیارتنامه اربعین به شجاعت و شهادت امام حسین علیه السلام توجه شده است:

السَّلَامُ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَيَّ أَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَ قَتِيلِ الْعَبْرَاتِ ... عَشْتِ
سَعِيداً وَ مَضِيَّتْ حَمِيداً وَ مِتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً... وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ قَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ وَ
جَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ.

سلام بر حسین مظلوم شهید. سلام بر گرفتار غم‌های نفس‌گیر و کشته اشک‌های
جاری... خوشبخت زندگی کردی و ستوده از دنیا رفتی و مظلوم و شهید و گم‌گشته
در گذشتی... و گواهی می‌دهم که به پیمان الهی وفا کردی و در راهش جهاد کردی
تا مرگت فرا رسید.

محور دوم: نقش امام

محور دوم زیارتنامه اربعین، پس از معرفی امام و ویژگی‌های ایشان، بیان نقش امام در جامعه است.

۱. هدایت مردم

عواطف و افکار بشر ممکن است او را به غذا و مسکن و نکاح و لباس صالح برای
زندگی‌اش و خلاصه به جلب منافع و دفع مضار و مکاره، هدایت کند. فکر اجتماعی بیش از
این نیست که انسان را به استخدام ابزاری وادار کند که با آن، نیازمندی‌های زندگی مادی‌اش
را - از قبیل خوراک، پوشاک، نکاح، لباس و شئون مربوط به آنها - فراهم کند. اما این عواطف
و افکار، هرگز او را به معارف الهی و رستگاری اخروی و رسیدن به رضای الهی و بهشت
جاویدان راهنمایی نمی‌کند. از این رو مهم‌ترین نقش امام، به عنوان رهبر و پیشوا، هدایت مردم
به راه راست و دین حق است. امام در راه هدایت مردم از هیچ کوششی فروگذار نمی‌شود.
به همین دلیل وقتی در زیارتنامه اربعین گواهی می‌دهیم که خداوند امام حسین ع را رهبر
و حجت قرار داد: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ... وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ... وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً
عَلَيَّ خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ»، در پی آن گواهی می‌دهیم که آن حضرت تمام تلاش خویش را در
این راه صرف کرد:

فَاعْذِرْ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَدَلْ مُهْجَتَهُ فَيْكَ لَيْسَتْ تَقْدِ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ.

در دعوت به حق، سعی بلیغ کرد و عذری باقی نگذاشت و خالصانه‌ترین پند و اندرز را در اختیار نهاد و خون دلش را در راه تو بخشید تا بندگان را از نادانی و سرگردانی گمراهی نجات دهد.

۲. حافظ دین

دیگر نقش مهم امام، نگهداری از دین راستین پیامبر اسلام ﷺ است. اسلام ناب در قلب امام علیؑ موجود است تا هرگز کسی نتواند ادعا کند که دین و معارف ناب الهی مخدوش شده و اصل آن دیگر وجود ندارد. مرحوم کلینی در کتاب کافی، بخشی دارد با عنوان «بَابُ أَنَّ الْأئِمَّةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَثَةُ الْعِلْمِ يَرِثُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا الْعِلْمَ» (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۲۲۱). یکی از روایات این باب چنین است: امام صادق علیؑ فرمودند:

امام علی علیؑ دارای روش هزار پیامبر از پیامبران الهی ﷺ است و علم که با حضرت آدم علیؑ فرود آمد، بالا نرفت و عالمی از دنیا نمی‌رود که علمش از میان برود. بلکه علم به ارث برده می‌شود.

روایاتی از این دست نشان می‌دهد علم الهی که در قالب دین‌های مختلف به بندگان ارزانی شده است، همه به امام هر زمان به ارث می‌رسد و قلب امام مخزن علوم الهی و ستون نگهدارنده دین الهی است. از این رو در زیارتنامه اربعین چنین گواهی می‌دهیم: «وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ»؛ «گواهی می‌دهم که تو از پایه‌ها و ستون‌های دین هستی».

محور سوم: وظایف امت نسبت به امام

محور سومی که در زیارتنامه اربعین امام حسین علیؑ بدان پرداخته شده، وظیفه مردم در برابر امام علیؑ است.

۱. دوستی با دارندگان ولایت امام و دشمنی با دشمنان اسلام

یکی از مهم‌ترین وظایف امت در برابر امام، قبول ولایت و امامت امام هر زمان است. مؤمن باید ولایت و سرپرستی امام را بر خود بپذیرد. همچنین از دشمنان او بیزاری بجوید. تولی و تبری دو فرع مهم در فروع دین اسلام و از واجباتی در زمره نماز و روزه است. بلکه موضوع ولایت، مهم‌ترین پایه در میان پنج پایه اسلام است که بیشترین دعوت به سوی آن بوده است.^۱ اگر کسی ولایت امام را نپذیرد، هر چه اعمال نیک هم که انجام داده باشد، ارزشی ندارد و مایه نجات او نمی‌شود.^۲

در زیارتنامه اربعین نیز به این امر مهم شهادت می‌دهیم و می‌گوییم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي وَبِيٍّ لِّمَنِّ وَالَاهُ وَ عَدُوٌّ لِّمَنِّ عَادَاهُ»؛ «خدایا من تو را گواه می‌گیرم که حقیقتاً دوست کسی هستم که ولایت امام حسین علیه السلام را پذیرفته است و دشمنم با کسی که با او دشمنی می‌کند».

۲. اعتقاد راسخ به حتمی بودن تحقق وعده الهی

خداوند در آیات متعدد وعده داده است که یاری کنندگان دینش را یاری کند (آل عمران، ۱۳ و ۱۵۰؛ انعام، ۳۴؛ انفال، ۲۶ و ۴۰ و ۶۲؛ توبه، ۱۴ و ۲۵ و ۶۰ و ...). مانند:

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (غافر، ۴۰)

و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد.

«إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ» (غافر، ۵۱)

ما به یقین، پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان به پا می‌خیزند (آخرت)، یاری می‌دهیم.

۱. عَنْ أَبِي حَمْزَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: بَيَّنِّي الْإِسْلَامَ عَلَى خَمْسٍ عَلَى الصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ الصَّوْمِ وَ الْحَجِّ وَ الْوَلَايَةِ وَ لَمْ يَتَذَكَّرْ بِشَيْءٍ كَمَا تُؤَدَّى بِالْوَلَايَةِ (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۸).

۲. عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: ... لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَ لَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَلِّقَهُ وَ يَكُونُ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ إِلَيْهِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ جَلٌّ وَ عَزٌّ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ وَ لَا كَانَ مِنْ أَهْلِ الْإِيمَانِ (همان، ۱۳۶۲ ش، ج ۲، ص ۱۹).

- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۷)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر [آیین] خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

در این باره علاوه بر آیات مزبور، روایات فراوانی هم وجود دارد که نیازی به ذکر آنها نیست. با توجه به این وعده محکم و مؤکد الهی، یکی از اعتقادات ما این است که خداوند امام حسین علیه السلام را یاری می‌کند؛ زیرا ایشان تمام هستی خود را برای دین الهی فدا کرد. به این اعتقاد راسخ نیز در زیارتنامه اربعین چنین گواهی می‌دهیم:

أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنَجِّزٌ مَا وَعَدَكَ وَ مُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ وَ مُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ.

گواهی می‌دهم خداوند وفا کننده به آن چیزی است که به تو وعده داده است و نابود کننده کسی است که تو را تنها گذاشت و عذاب کننده کسی است که تو را کشت.

۳. اعتقاد به غیبت امام

اعتقاد به غیبت امام زمان علیه السلام در عصر حاضر، یکی از ارکان عقیدتی در مذهب اهل بیت علیهم السلام است. اندیشمندان شیعه برای اثبات غیبت امام مهدی علیه السلام هم از دلایل عقلی بهره گرفته‌اند و هم به آیات و روایات متواتری که در این زمینه وجود دارد، استناد کرده‌اند. اولین منبع اثبات کننده غیبت، قرآن شریف است که ماجرای غیبت پیامبران الهی علیهم السلام مانند حضرت ابراهیم علیه السلام (مریم، ۴۴ تا ۴۹)، حضرت موسی علیه السلام (قصص، ۲۰) و به ویژه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله (انفال، ۳۰) را بیان کرده است. امام علی علیه السلام فرمودند:

وَاعْلَمُوا أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَحُلُو مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَكِنَّ اللَّهَ سَيُعْصِي خَلْقَهُ عَنْهَا بِظُلْمِهِمْ وَ جَوْرِهِمْ وَ إِسْرَافِهِمْ عَلَي أَنْفُسِهِمْ (نعمانی، ۱۳۹۷ق، ص ۱۴۱).

و بدانید که زمین از حجت خدای عز و جل خالی نمی‌ماند؛ ولیکن خداوند به زودی خلقتش را از او، به دلیل ظلم و ستمشان و زیاده‌روی آنان درباره خودشان، نابینا می‌سازد.

امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ إِذَا كَرِهَ لَنَا جِوَارَ قَوْمٍ نَزَعَنَا مِنْ بَيْنِ أَظْهَرِهِمْ»؛ (ابن بابویه، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۲۴۴). «هرگاه خداوند تبارک و تعالی همسایگی قومی را بر ما نپسندد، ما را از میان آنان بیرون می‌برد». امام صادق علیه السلام فرمود:

فَمَا تُنْكِرُ هَذِهِ الْأُمَّةُ أَنْ يَكُونَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَفْعَلُ بِحُجَّتِهِ مَا فَعَلَ بِيُوسُفَ أَنْ يَكُونَ يَسِيرٌ فِي أَسْوَاقِهِمْ وَيَطَأُ بُسْطَهُمْ وَهُمْ لَا يَعْرِفُونَهُ (ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۱).

پس چگونه این امت انکار می‌کنند که خدای تعالی با حجّتش همان کند که با یوسف کرد، او در بازارهایشان راه می‌رود و بر بساط آنها پا می‌نهد، اما آنها او را نمی‌شناسند.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

إِنَّهُ لَا بُدَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ مِنْ عَيْبَةٍ حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ مَنْ كَانَ يَقُولُ بِهِ إِنَّهَا هِيَ مُحِنَّةٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ امْتَحَنَ بِهَا خَلْقَهُ (کلینی، کافی، ج ۱، ص ۳۳۶).

ناچار صاحب این امر، غیبتی کند که حتی معتقدان به او هم از آن برگردند. همانا امر غیبت، آزمایشی است از جانب خدای عز و جل که خلقش را با آن بیازماید.

امام جواد علیه السلام فرمود: «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ خَلَقَهُ نَحَانًا عَنْ جِوَارِهِمْ» (کلینی، ۱۳۶۲ ش، ج ۱، ص ۳۴۳)؛ «هرگاه خداوند تبارک و تعالی بر مردمش خشم گیرد، ما را از کنار آنان دور می‌کند».

با توجه به آیات قرآن و روایات فراوانی از این دست، شیعه معتقد است همواره امامی بر زمین وجود دارد که گاهی آشکارا و گاهی به صورت ناشناس و پنهانی، میان مردم زندگی می‌کند و بین آنها در رفت و آمد است.

در زیارتنامه اربعین نیز این عقیده را در قالب درود فرستادن بر امامان ابراز کرده و می‌گوییم:

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَىٰ أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَعَائِدِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ.

درود خداوند بر شما و بر روح شما و بر جسم شما و بر شاهد شما و بر غایب شما و بر آشکار شما و بر پنهان شما.

۴. اعتقاد به رجعت ائمه علیهم السلام

اعتقاد به رجعت نیز همانند اعتقاد به غیبت، از عقاید خاص شیعه است. شیعیان معتقدند هر مؤمن خالص و هر مشرک خالص، پس از ظهور امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه زنده می‌شود و به دنیا برمی‌گردد (حلی، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۷). روشن است که در صدر مؤمنان خالص، امامان علیهم السلام قرار دارند. از این رو رجعت امامان علیهم السلام مسلم است. البته رجعت امامان علیهم السلام احادیث ویژه‌ای نیز دارد. (همان، ۱۴۲۱ق، ص ۱۰۷). رجعت نیز مانند غیبت است؛ یعنی هم برهان عقلی دارد (استحاله قسر دائم). هم مستند قرآنی دارد،^۱ هم دلیل روایی که تنها علامه مجلسی بیش از ۱۶۰ حدیث در مورد رجعت نقل کرده است (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۳۹ - ۱۴۵).

به این اعتقاد روشن نیز در زیاتنامه اربعین گواهی می‌دهیم و می‌گوییم: «وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ»؛ «و گواهی می‌دهم که من به شما ایمان دارم و به بازگشت شما به دنیا یقین دارم».

نتیجه

از آنچه گذشت روشن شد زیارت اربعین، که از نشان‌های شیعه دانسته شده، زیارتنامه‌ای مأثور است و با سندی معتبر از امام صادق علیه السلام به ما رسیده است. واکاوی قسمت‌هایی از زیارتنامه اربعین نشان داد که بسیاری از آموزه‌های کلامی شیعه در این زیارتنامه جلوه‌گر است. این زیارتنامه ارزشمند هم به بیان نشان‌های امام پرداخته و هم نقش امام را در جامعه بیان داشته و در قسمت‌هایی نیز وظیفه امت مؤمن را نسبت به امام بازگو کرده است. روشن است که آنچه در این نوشتار بیان شد، گوشه‌ای از معارف عقیدتی مندرج در این زیارتنامه مأثور

۱. «و يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ» (نمل، ۸۳).

است که استعجالاً مرقوم شد و اگر آیندگان دقت مضاعفی کنند، قطعاً حقایق بسیاری از این کلام گهربار امام صادق علیه السلام به دست خواهند آورد.

امید است خداوند به همه شیعیان مشتاق زیارت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام در روز اربعین، این سعادت بزرگ را نصیب کند و کسی از این سفره کرامت محروم نماند. همچنین با خواندن زیارتنامه اربعین بر معرفت خود به امامان علیهم السلام بیفزایند و با وظایف خود بیشتر آشنا شوند.

منابع و مأخذ

* قرآن

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۶ش). **امالی**، چاپ ششم، تهران، کتابچی.
۲. _____ (۱۳۸۵ش). **علل الشرائع**، چاپ اول، قم، کتابفروشی داوری.
۳. _____ (۱۳۹۵ق). **کمال الدین و تمام النعمة**، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران، اسلامیه.
۴. اردبیلی، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). **جامع الرواة و ازاحة الاشتباهات عن الطرق و الأسناد**، بیروت، دار الأضواء.
۵. بخاری، محمد بن إسماعیل (۱۴۲۲ق). **الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله صلی الله علیه و سلم و سننه و آیامه (صحيح البخاری)**، تحقیق محمد زهیر بن ناصر الناصر، چاپ اول، [بی جا]: دار طوق النجاة (مصورة عن السلطانية بإضافة ترقيم محمد فؤاد عبد الباقي).
۶. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۱ش). **امامت پژوهی (بررسی دیدگاه‌های امامیه، معتزله و اشاعره)**، زیر نظر دکتر یزدی مطلق، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵ش). **شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی**، تحقیق حجت الاسلام سعید بندعلی، چاپ سیزدهم، قم، اسراء.

۸. حلی، حسن بن سلیمان (۱۴۲۱ق). **مختصر البصائر**، تصحیح مشتاق مظفر، چاپ اول، قم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق). **تهذیب الأحکام**، تحقیق حسن موسوی خراسان، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
۱۰. _____ (۱۳۷۳ش). **رجال الطوسی**، تحقیق: جواد قیومی اصفهانی، چاپ سوم، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۱. _____ (۱۴۲۰ق). **فهرست کتب الشیعه و أصولهم و أسماء المصنفین و أصحاب الأصول**، تحقیق عبدالعزیز طباطبائی، قم، مکتبه المحقق الطباطبائی.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش). **الکافی**، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسلامیه.
۱۳. مامقانی، عبدالله (بی تا). **تنقیح المقال فی علم الرجال**، (رحلی)، بی جا، بی تا.
۱۴. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ق). **بحار الأنوار**، تصحیح: جمعی از محققان، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۱۵. _____ (بی تا). **حق یقین**، بی جا، انتشارات اسلامیه.
۱۶. مسعودی، علی بن حسین (۱۳۸۴ش). **اثبات الوصیه**، چاپ سوم، قم، انصاریان.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۵ش). **دروس فی العقائد الإسلامیه**، چاپ سوم، قم، مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۸. نجاشی، احمد بن علی (۱۳۶۵ش). **رجال النجاشی**، تحقیق موسی شبیری زنجانی، چاپ ششم، قم، جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی.
۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق). **کتاب الغیبه**، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، نشر صدوق.